

۵۳ - تفکیک صدق و کذب از احکام منجمین

و نیز از حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات است. **قوله العزیز:** "هرچند این کواکب را تأثیرات معنویه در عالم انسانی بنظر عجیب آید ولی چون در این مسأله تدقیق نمائی چندان تعجب نفرمائی ولکن مقصد این نیست که منجمین سابق احکامی که از حرکات نجوم استنباط نمودند مطابق واقع بود زیرا احکام آن طوائف منجمین ضربی از اوهام بود و موجد آن کاهنان مصریان و آشوریان و کلدانیان بلکه اوهام هندوستان و خرافات یونان و رومان و سائر ستاره پرستان بود."

و قوله الحق: "استنباطهای منجمین یعنی استنباط هائی که تعلق بوقوع خیر و شرّ دارد ابداً حکمی ندارد کذب المنجمون برب الکعبة ولی استنباطهای فتی که تعلق بحرکات نجوم دارد مثل خسوف و کسوف و امثالهما این پایه و مایه دارد و اما استنباط از نجوم از ظهور مظاهر مقدّسه خارق العاده است دخلی بفنّ نجوم ندارد."

و قوله الحکیم: "از علم نجوم سؤال نموده بودی آنچه تعلق بریاضیات دارد آن مقبول و آنچه از پیش منجمین قدیم تأسیس نموده اند و تأثیرات عظیمه در تربیع و تثلیث دانسته اند و از قران کواکب در مواقع و سیر و حرکت در منطقه البروج و استقامت نجوم و تأثیر ساعات و تخصیص اوقات مرقوم نموده اند و در کتب موجوده مذکور عبارت از تصوّرات و افکار اسلاف است و اساس متین غیر موجود ولی نفوس از پیشینیان بقوه تبّتل اطلاع بر بعضی از اسرار کون یافته و از روابط و تعلقاتیکه در بین موجودات است اطلاعی حاصل نموده آنان بر بعضی اسرار خفی که در حقایق اشیاء است واقف گشتند و بعضی از وقایع آتیه از روابط موجودات استنباط نمودند این محلّ انکار نه چنانکه در رساله خال در ذکر نجم بازغ که دلالت بر ولادت حضرت روح مینمود مرقوم اما باوهمات مندرجه در کتب نجومیه قطعیا اعتماد نه."

***** حاشیه *****

قال الشيخ في فصل المبدء و المعاد من الهيئات الشفا لو امكن انسانا من الناس ان يعرف الحوادث التي في الارض و السماء جميعا و طبائعها لفهم كيفية ما يحدث في المستقبل و هذ المنجم القائل بالاحكام مع ان اوضاعه الاولى و مقدماته ليست مستندة الى برهان بل عسى ان يدعى فيها التجربة او الوحي و ربما حاول قياسات شعرية او خطابية في اثباتها انما يقول على دلائل ليس يجمع الاحوال التي في السماء و لو ضمن لنا ذلك و وفي به لم يمكنه ان يجعلنا و نفسه بحيث نقف على وجود جميعها في كل وقت و ان كان جميعها من حيث فعله و طبعه معلوما عنده و ذلك لانه لا يكفيك ان تعلم ان النار مسخنة و فاعله كذا و كذا في ان تعلم انها مسخنة مالم تعلم انها حصلت و اى طريق في الحساب يعطيناه المعرفة بكل حدث في الفلك و لو امكنه ان يجعلنا و نفسه بحيث نقف على وجود ذلك لم يتم لنا به الانتقال الى المغيبات فان الامور الغيبية التي في طريق الحدوث انما تتم بمخالفات بين الامور السماوية و الامور الارضية المتقدمة و اللاحقة فاعلها و منفعلها طبيعيا و ليست تتم

بالمادیات وحدها ما لم تحط بجمع الامرین و موجب کلّ منهما خصوصا ماکان متعلقا بالغیب و لم يتمكن من الانتقال الى التغیب فلیس لنا اذا اعتماد علی اقوالهم و ان سلمنا متوهمین ان جمیع ما یعطوفا من مقدماتهم الحکمیه صادقة.

گیتی همیشه وجود داشته و بواسطه قوانین و اصولی که در خود آنست دارای قوّت و حرکت گشته و مرام و مقصود نهائی و اصلی نیز در خود آن موجود است و در اجزاء و در مجموعه‌های خود تغییر و تبدیل یافته تجدید میشود ... جهان برای ما یک منظره و دورنمای تکامل دائمی و بلا انقطاعی است ... یک اصل ثابت و لا یتغیری برین عمل خطیر حکمرانی و سلطنت میکند و آن عبارت از یک وحدت عالیتر و یک وحدت خداوندی که تمام افراد موجودات در سایه آن بسر برده و کلیّه اعمال خاص بدان مربوط و بحکم آن بکار افتاده و تماماً بجانب مقصود و مرام واحدی که تکامل و ترقّی مجموعه هستی باشد معطوف و متمرکز میگردد. "لئون دنی نویسنده بزرگ فرانسوی"